

پیشگفتار

جنبش کارگری ایران در شرف ورود به مرحله نوینی از حیات سیاسی خود است. احیای یک نظام سرمایه داری مدرن و مرتبط به سیاست های بانک های جهانی و نظام سرمایه داری جهانی در دستور روز بورژوازی ایران قرار گرفته است. این روند به مفهوم سرازیر شدن سرمایه های خارجی و همچنین دلارهای سرمایه داران ایرانی مقیم خارج، به ایران خواهد بود. سرمایه دارهای خارجی که سال ها در انتظار سرمایه گذاری های کلان در صنایع ایران بوده و به علت عدم تضمین سرمایه توسط رژیم، سرمایه های خود را در خارج از مرزهای ایران متمرکز کرده بودند، در دوره آتی با وارد کردن وسایل یدکی، تعلیم دادن تکنیسین ها و تکنوکرات ها، مدیران حرفه ای، وارد صحنه بکر اقتصادی ایران خواهند شد. همواره یکی از دردهایی که «اصلاح طلبان» از آن رنج برده اند، کمبود مدیران حرفه ای در کارخانه های بوده است.

به گردش افتادن چرخ های کارخانجات، همراه است با اشتغال کارگران در سطحی عالی تر و منظم تر از گذشته. با اشتغال کارگران، به تدریج ناطمینانی و ناامنی شغلی (ترس از دست دادن شغل) در میان کارگران کاهش یافته، و این روند به نوبه خود اعتماد به نفس در میان کارگران را تقویت خواهد کرد. اما؛ این روند به اینجا خاتمه نخواهد یافت. سرمایه داری نوپا و مدرن که سال های سال به علل عوامل مختلف نظیر جنگ؛ سرکوب، سیاست های اشتباه اقتصادی و ندانم کاری های سران رژیم (به ویژه جناح اقتدار گرا) از معرکه عقب افتاده است، برای جبران عقب افتادگی، مجبور به اعمال شدت «کار» خواهد شد. ماشین آلات نوین و پیشرفته، مدیران تحصیل کرده و وارد به امور مدیریت، برنامه ریزی های عقلایی اقتصادی، شدت کار را در میان کارگران افزایش داده و در نتیجه کارگران را محکوم به تحمل

استثمار مضاعف خواهد کرد. استثمار مضاعف همراه با اعتماد به نفس در درون طبقه کارگر، نیز خود نشانگر مرحله نوینی از مبارزات کارگری است.

برای نخستین بار در بیش از دو دهه حاکمیت سرمایه داری، تضاد «کار» و «سرمایه» به شکل ملموس تر و مشخص تر از پیش ظاهر می گردد. همچنین ابزار کار، هم سرمایه داران و هم کارگران نیز تغییر خواهد کرد. اگر در گذشته تحمیل یک «قانون کار» قرون وسطی ای همراه با سرکوب عریان کارگران بخشی از سیاست رژیم بود؛ در دوره آتی، «قانون کار» نوین ظاهراً مترداف با قوانین و عرف های بین المللی تدوین می گردد. به سخن دیگر، اگر در دوره پیش گردن کارگران را با شمشیر قطع می کردند، در دوره آتی «سر» کارگران با پنبه بریده خواهد شد.

ابزار کار سرمایه داران برای اعمال استثمار مضاعف، ایجاد نهاد ها و قوانینی است که مورد پذیرش بانک های بین المللی و دول سرمایه داری جهانی قرار گیرد. البته، تدارک ایجاد چنین روندی در چند ساله پیش زمینه ریزی شده است. برای نمونه «بازسازی تشکیلاتی خانه کارگر»؛ فعال شدن «خانه کارگر» در مورد مسایل کارگری تشکیل و برجسته کردن «حزب اسلامی کار» و «کانون عالی شوراهای اسلامی»؛ بازتاب دادن شعارهای محوری کارگران؛ طرح، توضیح ضرورت «اعتصاب کارگری» در نشریه «کار و کارگر»؛ و غیره، همه نشانگر تدارکات اصلاح طلبان برای زمینه ریزی دوره ارباب و استثمار کارگران در محتوای یک نظام سرمایه داری نوین است.

اما؛ به جز سرمایه داران، گرایش ها و جریان های انحرافی و آغشته به نظریات رفرمیستی در درون جنبش کارگری ظاهر گشته اند که زیر لوای «دفاع از کارگران» و «مارکسیزم» و «سوسیالیزم»؛ خواسته یا نا خواسته در حال ایجاد تسهیلات برای استقرار سرمایه داری مدرن ایران هستند.

در وضعیت کنونی، اگر خطر این گرایش های انحرافی در درون جنبش کارگری بیشتر از «اصلاح طالبان» هیئت حاکم نباشد، کمتر نیست. مبارزه نظری با این

انحرافات برای بازسازی یک جنبش کارگری سالم ضروری است. تنها جنبش کارگری‌ی که قادر باشد همزمان با مبارزه علیه دولت سرمایه داری؛ خود را از نظریات انحرافی پاکیزه نگهدارد، در مقام سازماندهی انقلاب آتی ایران برای استقرار حکومت کارگری، می‌تواند قرار گیرد.

این جزوه (منتخب مقالات) که شامل مبارزات نظری عیله‌گرایش‌های انحرافی در درون جنبش کارگری نگاشته شده است؛ به این منظور انتشار می‌یابد. به این امید که این مقالات بتواند مورد استفاده کارگران پیشرو، آنهایی که در دهه پیش در صف مقدم جبهه ضدسرمایه داری حضور فعال داشته‌اند، قرار گیرد.

م. رازی

بیست دی هزار و سیصد و هشتاد و یک